

بررسی اثر ساختار مالکیت بر توسعه سطح گزارشگری پایداری

علی خوزین^۱
قدرت‌اله طالب‌نیا^۲
منصورگرکز^۳
بهمن بنی‌مهد^۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۰۱

چکیده

هدف این پژوهش بررسی اثر ساختار مالکیت بر توسعه سطح گزارشگری پایداری مبتنی بر توسعه پایدار بوده است. پژوهش حاضر در حوزه پژوهش‌های نیمه تجربی و کاربردی حسابداری و فرایند اجرای آن از نوع تحلیل محتوی و کمی است. داده‌های مربوط به سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ تعداد ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه آماری این پژوهش، با کمک روش‌های آمار توصیفی و مدل رگرسیونی چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج آزمون فرضیات پژوهش نشان داد که «درصد سهام بزرگترین سهامدار» و «درصد سهام دولتی» اثری بر «سطح گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» ندارد. از سوی دیگر با افزایش «درصد سهام شناور آزاد» از «سطح گزارشگری پایداری» در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کاسته می‌شود. گزارشگری پایداری شرکت‌های ایرانی همانند شرکت‌های سایر کشورهای آسیایی در سطح پایینی بوده و نیاز به بهبود بسیاری در افشاء موارد مربوط به حاکمیت شرکتی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است که البته این موارد اجزاء اصلی پایداری هستند.

واژه‌های کلیدی: ساختار مالکیت، گزارشگری پایداری، نظریه ذینفعان، گزارشگری، افشاء.

۱- دانش‌آموخته دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲- دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول) gh_talebnia@yahoo.com

۳- دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی‌آباد کتول، ایران.

۴- دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران.

۱- مقدمه

برای توسعه پایدار و گسترش مدیریت تجارت در فضای نوین کسب و کار، نیاز به الگوی جدید گزارشگری داریم که همه آثار داخلی و خارجی عملیات شرکت‌ها را منعکس نماید (ترول، پارا و فرناندز، ۲۰۱۶). حسابداری پایدار مستلزم توجه به سیستم‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (همه انواع سرمایه) در داخل و خارج از سازمان و برای زمان حال و آینده است. حسابداری پایدار، فرصتی را برای مشارکت بیشتر و بهتر با توسعه تجاری و صنعتی در جهت پایداری فراهم می‌آورد. بسیاری بر این باورند که حسابداری پایدار، امکان پاسخگویی در ابعادی را فراهم می‌آورد که همواره خواسته جامعه و مردم بوده است (آلوارز و اورتا، ۲۰۱۷). در حال حاضر، موضوع و اهمیت مقوله گزارشگری عملکرد پایدار به عنوان فرایند داوطلبانه و اختیاری است و الزام قانونی چندانی در سطح بین‌المللی برای آن وجود ندارد. اصول پایداری در گزارشگری، نگرشی است که به ایجاد ارزش بلندمدت برای سهامداران با در نظر گرفتن فرصت‌های بالقوه آینده و مدیریت ریسک در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست تاکید دارد.

تئوری مشروعیت بیان می‌کند که میان شرکت‌ها و جامعه‌ای که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند قراردادی اجتماعی وجود دارد. (مقدم، صادقی و صفرزاد، ۱۳۹۲) در سطح بین‌المللی تجزیه و تحلیل - های شاخص‌های عملکرد پایدار، بر اساس رهنمودهای سازمان گزارشگری پایداری صورت می‌گیرد. اجباری نبودن و عدم وجود استاندارد خاصی در رابطه با گزارشگری پایداری مشکلاتی را از جمله وجود نداشتن قابلیت مقایسه به همراه داشته است و روش‌ها و مدل‌های گزارشگری آثار اجتماعی و زیست محیطی در سازمان‌ها و کشورهای مختلف متفاوت شده است. (رحیمیان، توکل‌نیا و اسدی، ۱۳۹۱) عوامل مختلفی به طور بالقوه می‌توانند بر کیفیت گزارشگری پایداری تاثیرگذار باشد همانند محیط قانونی و اجتماعی کسب

و کار، ساختار مالکیت شرکت، میزان نفوذ ذینفعان و... (آلوارز و اورتا، ۲۰۱۷).

در این پژوهش می‌خواهیم اثر ساختار مالکیت را بر توسعه سطح گزارشگری پایداری در ایران مورد بررسی قرار دهیم. توجه به نتایج این پژوهش منجر به ارائه رویکردی نوین در راستای گزارشگری پایداری برای ارائه گزارش به همه ذینفعان سازمان می‌گردد. همچنین این پژوهش میزان تعهدات مالکین شرکت‌ها در مقابل جامعه و سایر ذینفعان را نمایان خواهد ساخت.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

نظریه ذینفعان مفاهیمی را ارائه می‌دهد که چگونه انتظارات ذینفعان به وسیله بنگاه‌های اقتصادی مدنظر قرار گرفته و هدایت شود. این نظریه دارای شاخه‌های اخلاقی (دستوری) و مدیریتی است. شاخه اخلاقی بیان می‌کند که ذینفعان حق دارند تا سازمان با آن‌ها منصفانه رفتار کند و این موضوع به میزان تأثیرگذاری ذینفع در امور شرکت، ارتباطی ندارد. ذینفعان حقوق ذاتی دارند (به عنوان نمونه، کارکردن در شرایطی امن، پرداخت منصفانه و غیره) و این حقوق نباید مورد تعدی قرار گیرد. طبق شاخه مدیریتی هر چه ذینفعان برای سازمان مهم‌تر باشند تلاش بیشتری برای ایجاد رابطه با آن‌ها انجام می‌شود. سازمان به تمام ذینفعان به طور یکسان پاسخ نخواهد داد، بلکه فقط به آن دسته پاسخ می‌دهد که فرض می‌شود قدرتمند هستند. در واقع، قدرت ذینفعان و نیازهای اطلاعاتی آن‌ها می‌تواند سطوح و انواع افشا را تعیین کند. گروه‌های خاص ذینفعان می‌توانند نسبت به دیگران در تقاضا برای افشا اطلاعات در مورد مسئولیت اجتماعی در اولویت باشند (خواجه‌وی و اعتمادی، ۱۳۹۴). شرکت‌ها نباید فقط نیازها و خواسته‌های سهامداران خود را مورد توجه قرار دهند؛ بلکه باید به خواسته‌های همه ذینفعان خود برای کسب موفقیت پایدار توجه نمایند. (کلمنت، ۲۰۰۵).

مواردی از قبیل رقابت، مدیریت ریسک، نوآوری، بازارهای نوظهور، اعتبار، شهرت و افزایش الزامات

معروفیت بیشتر برند شرکت، حسن شهرت و کاهش هزینه‌ها (از طریق صرفه‌جویی در مصرف سوخت، کاهش ضایعات، کاهش مالیات، کاهش هزینه سرمایه و ..) است. «برمسر»^۴ (۲۰۱۴) در مقاله خود با عنوان «علاقه رو به رشد به پایداری زمینه‌ساز نسل آینده حسابداران رسمی» می‌گوید استفاده‌کنندگان خارجی به دنبال آگاهی در مورد اثرات زیست محیطی و اجتماعی سازمان بر روی طیف وسیعی از ذینفعان و علاقمند به بازی برد-برد با واحد تجاری هستند. وی اشاره می‌کند که در امریکا مأموریت تدوین استانداردهای حسابداری پایداری بر عهده SASB گذاشته شده است. «کراتن»^۵ (۲۰۱۴) اشاره می‌کند که در سال ۲۰۱۲ «مؤسسه دلویت و تاج ال ال پی»^۶ پیشنهادهایی بر طبق رهنمود AICPA جهت پیاده‌سازی گزارشگری پایداری ارائه داده است. «محمد مشعشی و نیک کار» (۱۳۹۱) بیان نموده که در سال‌های اخیر آگاهی و توجه سازمان‌ها نسبت به اهمیت فعالیت‌های تجاری پایدار افزایش یافته است به گونه‌ای که تحقیقات دانشگاهی انجام گرفته در این سال‌ها موید این ادعاست.

تمرکز مالکیت

تمرکز مالکیت عبارت است از چگونگی توزیع سهام بین سهامداران یک شرکت. هر چه تعداد سهامداران کمتر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود. در کشورهایی که تمرکز سهامداران بالا بوده و دارای بازارهای سهام کمتر توسعه یافته هستند، یکی از مسائل اصلی اداره شرکت‌ها، تضاد منافع بین سهامداران اصلی و سهامداران اقلیت است. در کشورهایی که قوانین و مقررات حفظ حقوق سهامداران دارای ایراد و ضعف است، تمرکز مالکیت^۷ اغلب به‌عنوان راهکاری برای کنترل اعمال غیراخلاقی مدیران و تصمیمات اتخاذ شده توسط آنان، ظهور کرده است (شیفلر و ویشنی^۸، ۱۹۹۷) که البته خود می‌تواند مشکل‌ساز باشد و نه تنها تعارض بین مدیر و سهامداران را کاهش ندهد، بلکه موجب افزایش آن شود. زیرا سهامداران عمده غالباً به دنبال منافع خود

گزارشگری منجر به توجه چشمگیری به گزارشگری پایداری در سطح جهان شده است. اقتصاد جدید از صنعتی به خدماتی تغییر جهت داده و ایجاد ارزش بر محرک‌های نامشهود متمرکز شده است (آلوارز و اورتا، ۲۰۱۷). در چارچوب نظریه مشروعیت، امروزه یکی از مهمترین عوامل موفقیت تجاری و رشد اقتصادی، انعکاس سطح انتظارات اجتماعی از جنبه تجاری و توجه به ملاحظات اجتماعی و محیط زیست است (احمدپور و فرمانبردار، ۱۳۹۴). شاخص‌های سنجش عملکرد پایداری در سه بخش اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی قرار داده شده است. شاخص‌های اقتصادی با تاکید بر پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی سازمان، ذینفعان را مورد توجه قرار می‌دهد. شاخص‌های ارزش افزوده اقتصادی برای ذینفعان و شاخص‌های حضور در بازار، تعامل بین سازمان و بازارهای خاص را مورد بررسی قرار می‌دهد. شاخص‌های زیست محیطی به مواردی از قبیل اثر سازمان بر سیستم‌های طبیعی (اکوسیستم، آب و هوا، زمین) پرداخته و بر مبنای مفهوم چرخه عمر، مصرف منابع، آلودگی زیست محیطی، حمل و نقل و سایر عوامل استوار است. در حوزه عملکرد اجتماعی اثر سازمان بر سهامداران و ذینفعان در سطح محلی، ملی و جهانی مورد توجه بوده و شاخص‌های اجتماعی بر دارایی‌های نامشهود سازمان از جمله منابع انسانی مانند نیروی کار، حقوق انسانی، سرمایه انسانی (دانش)، سرمایه سازمانی (خلاقیت و نوآوری) و توسعه اجتماعی نیز اثرگذار است (برزگر و غفاری، ۱۳۸۷).

مرزهای اصول گزارشگری پایداری فراسوی مرزهای گزارشگری مالی سنتی توسعه یافته است. البته گزارش‌های پایداری به عنوان یک منبع مزیت رقابتی هنوز به خوبی درک نشده است. (مالش^۹، ۲۰۱۳)

«جفرس و دیگران»^{۱۰} (۲۰۱۴) معتقدند برخی مزایای توجه به مسائل پایداری شامل افزایش درآمد (از طریق دسترسی به بازارها و مشتریان جدید، تنوع بیشتر در محصولات، فروش ابزارهای کنترل‌کننده آلودگی، درخواست بهای بیشتر از مشتریان و ...)

بوده و در این جهت ممکن است منافع سهامداران جزء را نادیده گرفته و به‌گونه‌ای عمل نمایند که حقوق آن‌ها را به نفع خود قبضه نمایند. به عنوان نمونه «گلب»^۹ (۲۰۰۰) معتقد است که هر چه سطح تمرکز مالکیت کاهش یابد کیفیت گزارشات افزایش می‌یابد. «ساماها و دیگران»^{۱۰} (۲۰۱۲) نشان دادند که در مصر از سطح افشاء اختیاری با افزایش مالکیت عمده به عنوان ملاک تمرکز مالکیت کاسته شده است. در کشور انگلیس نتیجه پژوهش - «زوراراکیس»^{۱۱} (۲۰۰۹) نشان دهنده رابطه منفی بین مالکیت سهام عمده با افزایش سطح افشاء اختیاری است. نتایج پژوهش «کوک»^{۱۲} (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که هر چه پراکندگی سهامداران افزایش یابد، سطح گزارشگری اختیاری بهبود می‌یابد. در کشور چک مشاهده شده که گستردگی افشاء با مالکیت نهادهای سرمایه‌گذاری دارای رابطه مثبت و معنادار است (ماخيجا و پاتون^{۱۳}، ۲۰۰۴). در کشور کنیا میان متغیرهای حاکمیت شرکتی مانند مالکیت سرمایه‌گذاران کشورهای دیگر و مالکیت نهادی با سطح گزارشگری اختیاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، ولی تمرکز مالکیت با سطح گزارشگری اختیاری دارای رابطه منفی و معنادار است (باراکو، هانکوک و ایزان^{۱۴}، ۲۰۰۶). در چین نتیجه پژوهش «هوافانگ و جیانگو»^{۱۵} (۲۰۰۷) نشان داده که سهام عمده بالاتر دارای رابطه معناداری با افزایش سطح افشاء اختیاری است. در برخی پژوهش‌های دیگر نیز میان ساختار مالکیت و سطح افشاء اختیاری رابطه‌ای مشاهده نشده است (دونلی و مولکاهی^{۱۶}، ۲۰۰۸). به هر حال تمرکز مالکیت باعث امکان بیشتر کنترل مدیران توسط مالکین می‌گردد. بر اساس تئوری کارایی نظارت^{۱۷} سهامداران عمده بزرگ مدیران را برای افشاء بیشتر تشویق می‌کنند و هدفشان نیز افزایش ارزش شرکت و حداکثرسازی ثروتشان است. از سوی دیگر این نظریه نیز وجود دارد که مالکین عمده شرکت اطلاعات مورد نیاز خود را از منابع داخلی شرکت به دست آورده و تمایل به افشاء کمتر اطلاعات دارند. (مارستون و پولی^{۱۸}، ۲۰۰۴)

مالکیت دولتی

«انگ و ماک»^{۱۹} (۲۰۰۳) معتقدند که هزینه‌های نمایندگی برای دولت بالاتر است؛ زیرا تضاد منافع بین اهداف شرکت‌های خصوصی و اهداف دولت بسیار زیاد است. در شرکت‌های دولتی توجه بیشتری به ارتباط واحد تجاری با سایر ذینفعان شده و افشاء بیشتری صورت می‌گیرد (قزالی و ویتمن^{۲۰}، ۲۰۰۶). «انگ و ماک» در پژوهش‌شان رابطه مثبت و معنادار بین سطح گزارشگری اختیاری با مالکیت دولتی گزارش نموده‌اند. در کشور چک «ماخيجا و پاتون» (۲۰۰۴) یافتند که گستردگی افشاء با مالکیت نهادهای سرمایه‌گذاری دارای رابطه مثبت و معنادار است. در مقابل «قزالی و ویتمن» (۲۰۰۶) متوجه شدند که در مالزی شرکت‌های با مالکیت دولتی افشاء بیشتر و شفافیت گزارشگری بهتری ندارند. آنها بحث می‌کنند که در کشورهای پیشرفته مانند مالزی شرکت‌های تحت کنترل دولت به شدت تحت تاثیر مسائل سیاسی بوده و این شرکت‌ها تمایل به افشاء کمتری دارند تا هزینه‌های سیاسی خود را کاهش داده و در مقابل سایر مالکین خود را حفظ کنند. «جوهانی» (۲۰۱۳) در بحرین بین مالکیت دولتی با سطح افشاء اختیاری رابطه منفی ولی غیر معناداری را گزارش نمود. در چین نیز نتیجه پژوهش «هوافانگ و جیانگو» (۲۰۰۷) نشان داده که مالکیت دولتی دارای رابطه‌ای با سطح گزارشگری اختیاری نیست. در کشور انگلیس نتیجه پژوهش «زوراراکیس» (۲۰۰۹) نشان دهنده عدم وجود رابطه بین مالکیت دولتی و سطح افشاء اختیاری است.

درصد سهام شناور آزاد شرکت

سهام شناور آزاد، بخشی از سهام شرکت است که دارندگان آن آماده عرضه و فروش آن سهام می‌باشند، و قصد ندارند با حفظ آن قسمت از سهام، در مدیریت شرکت مشارکت نمایند. در واقع شاید بتوان گفت سهام شناور در نقطه مقابل سهام مدیریتی قرار دارد. از یک طرف می‌توان پیش‌بینی نمود که با افزایش

«سازمان‌های دارای عملکرد بهتر در رابطه با مسائل اجتماعی و زیست محیطی» پرداخته است. آنها با انجام مصاحبه‌هایی با ساختاری آزاد با تهیه‌کنندگان اصلی در سازمان‌های مختلف دریافتند که گزارش‌های آنان از آخرین طرح‌های گزارش‌گری جهانی (GRI) نشأت گرفته و هدف عمده آنان بر طرف نمودن نیازهای اطلاعاتی سهامداران داخلی بوده است. همچنین گوتری و فارنتی در سال ۲۰۰۸ نیز در مطالعه خود به بررسی مسئله افشای درباره گزارشگری پایداری از سوی گروه مشابهی در سازمان‌های بخش عمومی پرداختند. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن بود که سازمان‌های بخش دولتی به گزارش‌های «پایداری» پرداخته‌اند و گزارش‌های آنان از راهبردهای طرح‌های گزارشگری جهانی نشأت گرفته است. با این وجود مطالعه نشان داد که پیاده‌سازی GRI ناقص بوده و سازمان‌ها تنها بخشی از GRI را برای افشای انتخاب کردند.

در کشور ایران پژوهشی بر روی سطح افشای مبتنی بر گزارشگری پایداری صورت نگرفته است. به طور کمی مشابه باغومیان و نقدی (۱۳۹۳) اظهار نمودند که از میان ساز و کارهای نظام حاکمیت شرکتی در حوزه افشای اختیاری، تنها مالکیت نهادی رابطه مثبت و معناداری با سطح افشای اختیاری دارد. دیگر متغیرهای حاکمیت شرکتی (اندازه هیأت مدیره، اعضای غیرموظف، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل، مالکیت مدیران و مالکیت عمده) رابطه معناداری با میزان افشای اختیاری ندارند. در واقع، مالکیت نهادی عاملی است که منجر به ترغیب شرکت‌ها برای افشای اختیاری اطلاعات می‌شود.

۳- فرضیه‌های پژوهش

شناسایی و معرفی نظریات، رویکردها و مدل‌های مرتبط با گزارشگری و حسابداری پایداری از مهمترین جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر است. برخی سازمان‌های بین‌المللی قدم‌هایی در جهت توسعه عمومی چارچوبی برای گزارشگری پایداری و تدوین معیارهایی که منعکس کننده این تفکر و بهترین روش

سهام بر تعداد ذینفعان شرکت افزوده شده و مدیران مجبور به رعایت بیشتر افشای مبتنی بر گزارشگری پایداری شده و از سوی دیگر می‌توان گفت که با افزایش سهام‌شناور، از تمرکز مالکیت کاسته شده و به دلیل افزایش تضاد منافع میان سهامداران و مدیریت، سطح افشای مبتنی بر پایداری توسط مدیران کاهش می‌یابد. نتیجه پژوهش «جوهانی» (۲۰۱۳) نشان داده که بین مالکیت بلوکی و افشای اختیاری رابطه منفی معنادار وجود دارد. یافته «کوک» (۲۰۰۲) حاکی از آن است که هر چه پراکندگی سهامداران افزایش یابد، سطح گزارشگری اختیاری بهبود می‌یابد.

۲-۱- پیشینه پژوهش

به عقیده «کرانن» (۲۰۱۴) طرح‌های پایداری بر حاکمیت شرکتی نیز موثر است و باعث می‌گردد ساختار و روابط هدایت و کنترل شرکت‌ها به سمت عملکرد منصفانه توأم با مسئولیت‌پذیری و در نظر گرفتن ویژگی‌های اخلاق در قبال همه ذینفعان سوق داده شود. توسعه سطح گزارشگری از طریق ارائه گزارش‌های پایداری باعث ارتقاء شفافیت گزارشگری، کاهش رسوایی‌های مالی و بازگرداندن اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مالی نیز می‌گردد. همچنین طرح‌های پایداری بر اندازه‌گیری عملکرد نیز موثر است. طرح‌های پایداری دارای آثار رفتاری بوده و منجر به رفتار اخلاقی می‌شوند.

نتیجه پژوهش «جوهانی»^{۲۱} (۲۰۱۳) نشان داده که بین مالکیت بلوکی و افشای اختیاری رابطه منفی معنادار وجود داشته؛ ولی بین مالکیت مدیریتی و مالکیت دولتی با سطح افشای اختیاری رابطه‌ای دیده نشد. همچنین بر اساس نتایج پژوهش «جوهانی» سودآوری، اندازه و هرم شرکت رابطه‌ای با سطح افشای اختیاری در شرکت‌ها ندارد.

«فارنتی و گوتری»^{۲۲} (۲۰۱۱) بیان نمودند که در گذشته علاقه کمی در رابطه با قبول دیدگاه حسابداران و تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی درباره گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی وجود داشته است. مطالعه آنها به بررسی دلیل ارائه گزارش

۳) افزایش «درصد سهام شناور آزاد شرکت» بر ارتقاء «سطح گزارشگری پایداری» شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در حوزه پژوهش‌های نیمه تجربی حسابداری و از لحاظ نتیجه از نوع کاربردی است. از لحاظ فرایند اجرا، این پژوهش از نوع تحلیل محتوی و کمی است. روش پژوهش کمی شامل گردآوری داده‌های علمی به صورت سیستماتیک، معمولاً تحت شرایطی که بتوان کنترل قابل ملاحظه‌ای بر متغیر اعمال نمود و تحلیل داده‌ها به روش‌های آماری انجام می‌گیرد. شرکت‌های نمونه این پژوهش به تعداد ۱۵۳ شرکت از میان ۲۵ صنعت اصلی بورس اوراق بهادار به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. دامنه زمانی این پژوهش طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ و به مدت ۹ سال کامل بوده است. داده‌های پژوهش از نوع تحلیلی-همبستگی است. این پژوهش به دنبال آزمون فرضیات طراحی شده و از نوع تحلیلی است. مدل آماری به کار گرفته شده نیز در این پژوهش مدل رگرسیون چند متغیره است. این پژوهش از نظر زمانی گذشته نگر و از لحاظ منطق اجرا استقرایی است. مدل‌های پژوهش به شرح زیر است.

مدل فرضیه اول:

$$\text{SustainabilityScore}_{it} = a_0 + a_1 \text{Ownrshp}_{it} + a_2 \text{size}_{it} + a_3 \text{Return}_{it} + e$$

مدل فرضیه دوم:

$$\text{SustainabilityScore}_{it} = a_0 + a_1 \text{Gvrnmnt}_{it} + a_2 \text{size}_{it} + a_3 \text{Lev}_{it} + a_4 \text{Return}_{it} + e$$

مدل فرضیه سوم:

$$\text{SustainabilityScore}_{it} = a_0 + a_1 \text{FF}_{it} + a_1 \text{size}_{it} + a_2 \text{Lev}_{it} + a_3 \text{Return}_{it} + e$$

گزارشگری باشد، برداشته‌اند. با این حال هنوز راهی طولانی برای پذیرش گسترده و به کارگیری این معیارها در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد و یکی از اهداف این پژوهش نیز پر کردن این شکاف پژوهشی و کاربردی است.

همچنین با توجه به آنچه که در پیشینه پژوهش مورد اشاره قرار گرفت، تاکنون در سطح ملی و در سایر کشورها پژوهشی که با استفاده از مدل امتیازدهی گزارشگری پایداری اقدام به ارزیابی گزارش‌های هیات مدیره شرکت‌ها در ایران شده باشد، مشاهده نشده است. الزامات گزارشگری پایداری پیشنهادی در این پژوهش می‌تواند توسط استانداردهای حسابداری یا سازمان بورس اوراق بهادار به شرکت‌ها تجویز شود تا منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان گروه‌های مختلف استفاده‌کننده و ذینفع گردد.

توجه به نتایج این پژوهش منجر به ارائه رویکردی نوین در راستای گزارشگری پایداری برای ارائه گزارش به همه ذینفعان سازمان می‌گردد. این پژوهش میزان تعهدات مدیران و مالکین شرکت‌ها در مقابل جامعه و سایر ذینفعان را نمایان نموده و از سوی دیگر میزان مطالبات مردم و ذینفعان مختلف از مدیران شرکت را مشخص خواهد ساخت. پژوهش‌ها در زمینه گزارشگری پایداری عاملی است که خانواده‌ها، جامعه و مراکز منطقه‌ای و ملی را مجاب می‌کند که به شرکت‌ها جهت رعایت اصول پایداری فشار آورند (لامبرتون^{۲۳}، ۲۰۰۵). با توجه به مراتب فوق و شکاف پژوهشی، فرضیات زیر تدوین گردیده است:

۱) افزایش «درصد سهام بزرگترین سهامدار شرکت» بر ارتقاء «سطح گزارشگری پایداری» شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

۲) افزایش «درصد سهام دولتی شرکت» بر ارتقاء «سطح گزارشگری پایداری» شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

که در این روابط:

$Sustainability Score_{it}$ = سطح افشای شرکت i در سال t درباره گزارشگری پایداری که بر اساس کارت امتیازدهی گزارشگری پایداری^{۲۴} اندازه‌گیری می‌شود. این مقدار بین صفر (برای نامناسب‌ترین گزارش) و ۱۲۰ (برای مطلوب‌ترین گزارش) در نوسان خواهد بود. در قسمت «راهنمای استفاده از کارت امتیازدهی گزارش پایداری» در مورد چگونگی امتیازدهی گزارش هیات مدیره شرکتها توضیح داده شده است.

به گفته «مالش» (۲۰۱۳) (که برگرفته از کارت امتیازدهی گزارش پایداری دلویتی^{۲۵} است) بر اساس اصول گزارشگری پایداری، کارت امتیازدهی گزارشگری پایداری در ۶ منظر و شامل ۳۰ شاخص زیرمجموعه آن به شرح زیر تدوین شده است.

الف- ارتباطات اثربخش: ۱- زمینه فعالیت شرکت؛ ۲- پیگیری اصول اساسی گزارشگری (دوره گزارشگری، حوزه و محدوده بنگاه اقتصادی)؛ ۳- پوشش ویژگی-های کیفی گزارشگری؛ ۴- طراحی یک ساختار اثربخش گزارشگری؛ ۵- خوانا بودن گزارش (شامل زبان، تصاویر، نمودارها، توضیحات و ابزارهای رهنما)؛ ۶- امکانات خواندن سریع (خلاصه مفید، نشانگرهای کلیدی).

ب- مربوط بودن: ۷- شناسایی و معرفی ذینفعان اصلی و گزارش به مخاطبان هدف؛ ۸- شناسایی و تعریف موضوعات مربوط (جنبه‌های با اهمیت).

ج- نشان دادن تعهد و مدیریت کیفیت: ۹- شامل چشم‌انداز توسعه پایدار و استراتژی‌ها؛ ۱۰- تعهدات تدوین شده برای مدیران ارشد (اصول، ارزش‌ها و سیاست‌ها)؛ ۱۱- مشخص ساختن مسئولیت‌ها و ساختارهای سازمانی (شامل حاکمیت شرکتی)؛ ۱۲- نشان دادن اقدام (اهداف کمی و برنامه‌ها)؛ ۱۳- تشریح سیستم‌های مدیریت و فرایندهای کسب و کار یکپارچه؛ ۱۴- تشریح مدیریت ریسک‌ها و فرصت‌ها (برنامه‌های احتمالی، مدیریت پیشنهادات و غیره)؛

د- معرفی دستور کار توسعه پایدار: ۱۵- تشریح نوآوری برای پایداری بیشتر (طراحی، عملیات و بازارها)؛ ۱۶- نشان دادن زنجیره عرضه/ارزش پایدار؛

۱۷- تشریح شاخص‌های مالی (هزینه‌ها و بهای تمام شده، پس‌اندازها، سرمایه‌گذاری، بدهی‌ها، سودها)؛ ۱۸- نشان دادن ارتباطات و مشارکت کارکنان (مدیریت دانش)؛ ۱۹- مشارکت و ارتباطات با جامعه مدنی (جوامع، گروه‌های مصرف‌کننده، سازمانهای غیردولتی و مقامات)؛ ۲۰- تشریح کار روی وضعیت چارچوب‌ها و سیاست‌های عمومی برای پایداری (توسعه‌های محلی، ملی و جهانی)؛

ه- عملکرد کمی: ۲۱- استفاده اثربخش و با معنی از واحدهای سنجش و شاخص‌ها (آمار و ارقام مطلق و نسبت‌ها)؛ ۲۲- داده‌های کیفی و دقیق خاص؛ ۲۳- نشان دادن روندها (عملکرد در طی چند دوره)؛ ۲۴- ایجاد اهداف (سطوح دستیابی و پیش‌بینی عملکرد آتی)؛ ۲۵- تفسیرها و محک‌زنی (زمینه و قابلیت مقایسه)؛

و- دستیابی به (کسب) اعتبار: ۲۶- مشخص نمودن افراد درگیر با ذینفعان (گفتگوها و پیامدهای آن)؛ ۲۷- بهینه‌سازی تعادل میان موضوعات (جنبه‌های مربوط و سومندی)؛ ۲۸- نشان دادن ارتباط میان واقعیت (ستاره‌ها و مردم)؛ ۲۹- تواناسازی دسترسی و تعامل برای ارتباط، بازخورد و اطلاعات بیشتر؛ ۳۰- استفاده از خدمات اطمینان بخشی (تاییدکنندگی)

$Ownership_{it}$ = درصد سهام بزرگترین سهامدار شرکت i در سال t .

$Govrnmnt_{it}$ = درصد سهام دولتی شرکت i در سال t .

FF_{it} = درصد سهام شناور آزاد شرکت i در سال t .

$Size_{it}$ = اندازه شرکت عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت i در سال t .

Lev_{it} = نسبت مجموع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها شرکت i در سال t به عنوان شاخص ریسک مالی.

$Return_{it}$ = سودآوری که عبارت از نسبت سودخالص به مجموع درآمد فروش شرکت i در سال t .

۴-۱- روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به صورت‌های مالی شرکت‌ها و گزارش‌های هیات مدیره و همچنین اطلاعات مالی منتشره توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایت www.codal.ir گردآوری شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و روش‌های آماری مربوط و مدل رگرسیونی چندگانه و با استفاده از نرم افزارهای معتبر مانند EViews و Stata استفاده می‌گردد.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

در جدول ۱ برخی از شاخص‌های مربوط به آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش نمایش داده شده است. در میان شرکت‌های موجود در نمونه نیز نمرات افشاء زیست محیطی دارای نوسان و فاصله زیادی بوده است. در طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳، بیشترین نمره گزارشگری زیست محیطی مربوط به شرکت ملی صنایع مس ایران با نمره ۸۹ (مربوط به سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳) و کمترین نمره گزارشگری زیست محیطی مربوط به شرکت ایران مرینوس و مهندسی

نصیر ماشین با نمره ۸ (مربوط به سال ۱۳۸۵) بوده است. خاطر نشان می‌گردد که این نمرات نشاندهنده توجه و یا بی‌توجهی شرکت‌ها در سطح عملکردی به ذینفعان گوناگون، جامعه و محیط زیست نمی‌باشد و تنها نماینده سطح «گزارشگری مبتنی بر توسعه پایدار» شرکت‌ها است.

قبل از آزمون فرضیه‌ها ابتدا اقدام به تعیین نرمالیتی توزیع اجزای اخلاص مدل با استفاده از آماره «جاک-براک» شده است. نتایج آزمون گویای آن است که فرض نرمال بودن جزء اخلاص برقرار است. در مرحله بعد نتایج آزمون چاو (آماره F) نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، برای هر سه مدل فرضیه‌ها باید از روش داده‌های پانل استفاده نمود. لذا بحث انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتیجه این آزمون نیز بیانگر آن است که در این مدل‌ها باید از روش اثرات تصادفی استفاده نمود. در مرحله بعد برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ با استفاده از نرم افزار Stata استفاده شده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

چولگی	کشدگی	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	
۰,۰۱۸	۲,۵۵۴	۱۷	۸	۸۹	۴۷	۴۷,۶	نمره گزارشگری پایداری
۰,۲۸	۲,۷۶۳	۰,۲۳۴	۰,۰۰	۰,۹۹	۰,۵۲	۰,۵۳	بزرگترین سهامدار
۰,۰۳-	۱,۵۶۷	۰,۲۵۲	۰,۰۰	۱,۰۰	۰,۵۱	۰,۴۶	مالکیت دولتی
۰,۷۴	۳,۷۶۸	۰,۱۳۵	۰,۰۰	۰,۸۷	۰,۲۰	۰,۲۱	سهام شناور آزاد
۰,۶	۳,۸۲۴	۱,۴۳	۲۲,۸	۳۲,۲	۲۷,۲	۲۷,۳	اندازه شرکت
۰,۵۳۲-	۳,۴۷۸	۰,۲۱	۰,۰۱	۱,۲۳	۰,۶۴	۰,۶۳	اهرم شرکت
۰,۷۹۴	۴,۹۸۵	۰,۱۲۴۵	۰,۳۴-	۰,۶۴	۰,۱۰	۰,۱۲	بازدهی

جدول ۲- نتایج آزمون آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

مدل	آماره χ^2 بروش پاگان - کوک و ویسبرگ	p-value	نتیجه آزمون
اول	۱,۱۳	۰,۳۴۵۸	H_0 تأیید می‌شود
دوم	۱,۰۸	۰,۳۱۴۵	H_0 تأیید می‌شود
سوم	۰,۲۷	۰,۶۰۳۴	H_0 تأیید می‌شود

اوراق بهادار تهران» در سطح اطمینان ۹۵ درصد موثر است، لذا فرضیه اول پژوهش رد می‌شود.

بر اساس فرضیه دوم افزایش «درصد سهام دولتی شرکت» باعث ارتقاء «سطح گزارشگری پایداری» شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌گردد. نتایج حاصل از برآورد مدل فوق در جدول ۴ ارائه شده است.

مقدار ضریب تعیین مدل دوم مندرج در جدول ۴ نیز مؤید این مطلب است که متغیرهای مستقل مدل، از توان توضیح‌دهندگی حدوداً ۳۷ درصد، برای توضیح متغیر وابسته برخوردار می‌باشند. ضریب برآوردی متغیر مستقل بیانگر عدم وجود تاثیر معنی‌دار «درصد سهام دولتی شرکت» بر «سطح گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» است و فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید نمی‌شود. فرضیه سوم پژوهش بیان می‌دارد که افزایش «درصد سهام شناور آزاد شرکت» باعث ارتقاء «سطح گزارشگری پایداری» شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

بنابر نتایج حاصل از این آزمون که در جدول ۲ آورده شده است، در تمامی مدل‌های رگرسیون پژوهش، همسانی واریانس وجود دارد (زیرا همه احتمال‌ها یا p-value های محاسبه شده بیشتر از ۰,۰۵ است).

فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد که افزایش «درصد سهام بزرگترین سهامدار شرکت» بر ارتقاء «سطح گزارشگری پایداری» شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۳۷ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (سطح گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، توسط متغیرهای مستقل مدل اول توضیح داده می‌شود. ضریب برآوردی متغیر مستقل در جدول ۳ نشان‌دهنده عدم تاثیر معنی‌دار درصد سهام بزرگترین سهامدار شرکت بر سطح افشای شرکت در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین نمی‌توان گفت که «درصد سهام بزرگترین سهامدار شرکت» بر «سطح گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس

جدول ۳- خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه اول

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
بزرگترین مالک	-۴,۱۳	۲,۵۵	-۱,۶۲	۰,۰۹۵
اندازه	۷,۱۲	۰,۳۴	۲۰,۹۴	۰,۰۰۰
اهرم	۱,۸۵	۰,۴۵	۴,۱	۰,۰۰۰
بازدهی	-۰,۸۳	۳,۰۹	-۰,۲۷	۰,۷۸۹
صنعت ۱	۵,۴۲	۳,۲۳	۱,۸۱	۰,۰۷۱
صنعت ۲	-۳,۶۴	۲,۶۴	-۱,۴۸	۰,۱۳۹
صنعت ۳	۵,۸۸	۳,۶۴	۱,۶۲	۰,۱۰۶
صنعت ۴	-۹,۱۸	۶,۷۶	-۱,۳۶	۰,۱۷۵
صنعت ۵	-۷,۵۱	۱,۷۶	-۴,۲۸	۰,۰۰۰
صنعت ۶	-۸,۸۷	۳,۵	-۲,۵۴	۰,۰۱۱
صنعت ۷	۷,۶۱	۲,۸	۲,۷۵	۰,۰۰۶
عرض از مبدا	-۱۴۶,۶	۱۱,۱	-۱۳,۲	۰,۰۰۰
آماره F فیشر	۱۸,۷۵		ضریب تعیین	۰,۳۷
سطح معنی داری آماره F	۰,۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۳۶
آماره آزمون واتسون	۲,۰۶۸			

جدول ۴ - خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
مالکیت دولتی	۰,۳۳۱	۰,۹۰۱	۰,۳۶۸	۰,۷۱۳
اندازه	۷,۱۸	۰,۳۴	۲۱,۹	۰,۰۰۰
اهرم	۱,۷۵	۰,۵۳۲	۳,۳	۰,۰۰۱
بازدهی	-۰,۷۷	۳,۳۸	۰,۲۳	۰,۷۸۹
صنعت ۱	۶,۳۲	۳,۱۳	۲,۰۲	۰,۰۷۱
صنعت ۲	-۳,۴۸	۲,۵	-۱,۳۹	۰,۱۳۹
صنعت ۳	۶,۱۳	۳,۵۷	۱,۷۲	۰,۱۰۶
صنعت ۴	-۸,۶	۶,۷۲	-۱,۲۸	۰,۱۷۵
صنعت ۵	-۷,۲۶	۱,۶۷	-۴,۳۴	۰,۰۰۰
صنعت ۶	-۸,۰۹	۳,۶۶	-۲,۲۱	۰,۰۲۸
صنعت ۷	۷,۸۸	۲,۸	۲,۸۱	۰,۰۰۵
عرض از مبدا	-۱۵۰,۷	۹,۵۳	-۱۵,۸۱	۰,۰۰۰
آماره F فیشر	۱۸,۶	ضریب تعیین	۰,۳۸	
سطح معنی داری آماره F	۰,۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۳۷	
آماره آزمون واتسون	۱,۸۶			

اوراق بهادار تهران» در سطح خطای ۰,۰۵ است. بر مبنای این شواهد می‌توان گفت که فرضیه سوم پژوهش به صورت معکوس پذیرفته شده و افزایش «درصد سهام شناور آزاد شرکت» باعث کاهش «سطح گزارشگری پایداری» در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شده است.

با توجه به ضریب تعیین مدل برآزش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۴۰ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. ضریب برآوردی متغیر مستقل سهام شناور آزاد (FF) در جدول ۵ نشان‌دهنده وجود اثر منفی و معنادار درصد سهام شناور آزاد شرکت بر «سطح گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس

جدول ۵ - خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه سوم

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
سهام شناور	-۱۲,۹۳	۶,۳	-۲,۰۵	۰,۰۴۱
اندازه	۷,۲۳	۰,۳۹	۱۸,۴۱	۰,۰۰۰
اهرم	-۷,۰۴	۱,۷۹	-۳,۹۳	۰,۰۰۰
بازدهی	-۷,۸۷	۴,۸۳	-۱,۶۳	۰,۱۰۳
صنعت ۱	۵,۳۱	۴,۷۶	۱,۱۱	۰,۲۶۵
صنعت ۲	-۴,۹۵	۰,۷۷	-۶,۴	۰,۰۰۰
صنعت ۳	۴,۳۱	۳,۸۳	۱,۱۳	۰,۲۶۱
صنعت ۴	-۹,۶۵	۵,۳۵	-۱,۸	۰,۰۷۲
صنعت ۵	-۸,۳۸	۲,۲۸	-۳,۶۷	۰,۰۰۰
صنعت ۶	-۸,۶۲	۳,۶۳	-۲,۳۷	۰,۰۱۸
صنعت ۷	۶,۳۲	۲,۲۴	-۱۳,۱۶	۰,۰۰۵
عرض از مبدا	-۱۴۲,۴	۱۰,۸۱	-۱۳,۱۶	۰,۰۰۰
آماره F فیشر	۱۹,۰۳	ضریب تعیین	۰,۴۲	
سطح معنی داری آماره F	۰,۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۴۱	
آماره آزمون واتسون	۱,۹۳			

۶- نتیجه‌گیری و بحث

نتیجه آزمون آماری فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که «درصد سهام بزرگترین سهامدار شرکت» تأثیری بر «سطح گزارشگری پایداری» نداشته است. به این مفهوم که وجود سهامداران عمده به عنوان یک سازوکار حاکمیت شرکتی اثربخش نبوده و منجر به رعایت بیشتر حقوق ذینفعان در ایران نمی‌گردد. این نتیجه هم‌جهت با نظریات «گلب» (۲۰۰۰) و «شلیفر و ویشنی» (۱۹۹۷) می‌باشد که معتقدند که تمرکز مالکیت می‌تواند مشکل‌ساز باشد و نه تنها تعارض بین مدیر و سهامداران را کاهش نمی‌دهد، بلکه موجب افزایش آن می‌شود. زیرا سهامداران عمده غالباً به دنبال منافع خود بوده و در این جهت ممکن است منافع سهامداران جزء را نادیده گرفته و به‌گونه‌ای عمل کنند که حقوق آنها را به نفع خود قبضه و راه را برای تصمیم‌گیری بهینه سایر ذینفعان ناهموار نمایند. به هر حال می‌توان چنین قضاوت نمود که یکی دیگران از مشکلات موجود در ایران ضعف نظارت مالکین نهادی و عمده بر مدیران شرکت‌ها است.

نتیجه حاصل شده در این پژوهش با نتایج برخی پژوهش‌های دیگر از قبیل «ساماها و دیگران» (۲۰۱۲)، «زوراراکیس» (۲۰۰۹)، «باراکو و دیگران» (۲۰۰۶)، «انگ و ماک» (۲۰۰۳) و «کوک» (۲۰۰۲)، در مورد افشای داوطلبانه اطلاعات و رابطه آن با مالکیت سهامداران عمده همخوانی دارد. لازم به ذکر است پژوهش‌های «هوفانگ و جیانگو» (۲۰۰۷) و «ماخيجا و پاتون» (۲۰۰۴) نتایجی متضاد با نتیجه پژوهش حاضر به همراه داشته است. در اینجا باید افزود که به هر حال تمرکز مالکیت باعث امکان بیشتر کنترل مدیران توسط مالکین می‌گردد. بر اساس تئوری کارایی نظارت^{۲۶}، سهامداران عمده مدیران را برای افشاء بیشتر تشویق می‌کنند و هدفشان نیز افزایش ارزش شرکت و حداکثرسازی ثروتشان است. البته این نظریه هم وجود دارد که مالکین عمده شرکت اطلاعات مورد نیاز خود را از منابع داخلی شرکت به دست آورده و تمایل به افشاء کمتر اطلاعات دارند (Marston and Polei 2004).

در خصوص فرضیه دوم نیز مشاهده گردیده که افزایش «درصد سهام دولتی» بر «سطح گزارشگری پایداری» تأثیر معناداری ندارد که با نتیجه پژوهش‌های «هوفانگ و جیانگو» (۲۰۰۷) و «زوراراکیس» (۲۰۰۹) در مورد رابطه مالکیت دولتی با سطح افشاء فراتر از افشاء اجباری دارای همخوانی و با نتیجه پژوهش‌های «جوهمانی» (۲۰۱۳)، «غزالی و ویتمن» (۲۰۰۶)، «ماخيجا و پاتون» (۲۰۰۴) و «انگ و ماک» (۲۰۰۳) در تضاد است. در بیانیه‌های GRI (۲۰۰۶) عنوان شده که شرکت‌های دولتی نیز همانند شرکت‌های خصوصی نقش به‌سزایی در پیشرفت ملی و جهانی توسعه پایداری دارند... و انتظار می‌رود که با ارائه الگو، راه را برای گزارشگری دولتی و شفاف از عملکردهای خود به منظور ارتقاء پایداری هموار نمایند. به هر حال نتیجه پژوهش نشان‌دهنده تلاش اندک و غیراثربخش شرکت‌های دولتی برای افشاء بیشتر بر اساس رویکردهای پایداری است و این تلاش‌ها نیازمند توسعه بیشتر است.

نتیجه آزمون فرضیه سوم پژوهش بیانگر تأثیر معکوس «درصد سهام شناور آزاد» بر «سطح گزارشگری پایداری» در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد هر چه درصد سهام شناور آزاد شرکت بیشتر باشد گزارشگری پایداری در سطح پایین‌تری اعمال می‌گردد. نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های «جوهمانی» (۲۰۱۳) و «کوک» (۲۰۰۲) در تضاد است. آنها یافته‌اند که هر چه پراکندگی سهامداران افزایش یابد سطح گزارشگری اختیاری بهبود می‌یابد.

شاید بتوان به این نتیجه رسید که در ایران هر چه سهام کنترلی شرکت بیشتر باشد، گزارشگری پایداری در سطح بالاتری است که البته این نتیجه با نتیجه فرضیه اول کمی متفاوت و نیاز به آزمون‌های تکمیلی و بیشتری دارد. همچنین می‌توان گفت که با افزایش سهام شناور، از تمرکز مالکیت کاسته شده و به دلیل افزایش تضاد منافع میان سهامداران و مدیریت، سطح افشاء مبتنی بر پایداری توسط مدیران کاهش می‌یابد.

- بر اساس نتایج برگرفته از پژوهش و پیشینه نظری موجود پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:
- (۱) مالکیت عمده یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی است و باید در شرکت‌ها به صورت اثربخش اثرات کنترلی و نظارتی خود را نمایان نماید؛ بنابراین بر اساس نتایج حال از پژوهش پیشنهاد می‌گردد، مالکین عمده به صورت مؤثرتری در جهت تشویق مدیران به انجام گزارشگری مبتنی بر پایداری و استفاده از مزایای آن، فعالیت نمایند.
- (۲) پیشنهاد می‌گردد دولت و نهادهای وابسته به آن، شرکت‌های زیرمجموعه خود را وادار کنند تا به نحو جدی‌تری اقدام به ارائه سطح بالاتری از گزارشگری مبتنی بر پایداری بنمایند.
- فهرست منابع**
- * احمد احمدپور، احمد و فرمانبردار، مریم (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و رقابت بازار محصول، فصلنامه حسابداری مالی، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- * باغومیان، رافیک و نقدی، سجاد (۱۳۹۲). تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارش‌گری سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- * بهار مقدم، مهدی؛ صادقی، زین العابدین و صفرزاده، ساره (۱۳۹۲). بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، فصلنامه حسابداری مالی، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۹۰-۱۰۷.
- * بزرگر، قدرت‌اله و وحید غفاری، (۱۳۸۷). حسابداری و گزارشگری پایداری شرکت‌ها در هزاره سوم. مجله حسابداری، سال ۲۳، شماره ۷ (پیاپی ۲۰۲)، صص ۷۵-۸۶.
- * خواجهی، شکراله و اعتمادی جوربابی، مصطفی (۱۳۹۴). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و گزارشگری آن. فصلنامه حسابداری سلامت، سال ۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، صص ۱۰۴-۱۲۳.
- * رحیمیان، نظام الدین؛ توکل نیا، اسماعیل و اسدی، زینب (۱۳۹۱). حسابداری مسئولیت‌های اجتماعی، مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها. مجله حسابداری رسمی، شماره ۱۷ (پیاپی ۲۹)، صص ۳۲-۴۰.
- * مشعشی، محمد و نیک‌کار، بهزاد (۱۳۹۱). نقش حسابداران در پایداری شرکت‌ها باتاکید بر چارچوب نظری پایداری فدراسیون بین‌المللی حسابداران، مجموعه مقالات اولین همایش منطقه‌ای پژوهش‌ها و راه کارهای نوین در حسابداری و مدیریت، تنکابن.
- * Alvarez, I. G., & Ortas, E., (2017). "Corporate environmental sustainability reporting in the context of national cultures: A quantile regression approach", *International Business Review*, 26 (2), pp. 337-353.
- * Barako, D. G, Hancock P, & Izan H. Y, (2006). "Relationship between corporate governance attributes and voluntary disclosures in annual reports: The Kenyan experience". *Financial Reporting Regulation and Governance*, 5 (1) , pp. 1-25
- * Bremser, Wayne G. (2014). "A Growing Interest in Sustainability Paving the Way for the Next Generation of CPAs". *March. THE CPA JOURNAL*, pp. 15-17.
- * Cooke T.E. (1989). "Voluntary corporate disclosure by Swedish companies", *Journal of International Financial Management and Accounting*, 1 (2), pp. 171-195.
- * Clement, Ronald W., (2005). "The lessons from stakeholder theory for U.S. business leadersB", *Business Horizons*, 48, pp.255—264.
- * Deloitte Touche Tohmatsu, (2006). "Deloitte Sustainability Reporting Scorecard", *Global Environment and Sustainability Services Group*, Available at: <http://www.deloitte.com>.
- * Donnelly, R. & Mulcahy, M. (2008). "Board Structure, Ownership, and Voluntary Disclosure in Ireland". *Corporate Governance: An International Review*, 16, pp.416-42

- corporate governance disclosure and its determinants in a developing market: The case of Egypt". *Advances in Accounting*, 28(1), pp. 168-178.
- * Shleifer, I. and Vishny, R. W. (1997). "A Survey of Corporate Governance". *The Journal of Finance*, 52, pp. 737-783.
 - * Terol, A.B. , Parra, M. A. , & Fernández, V. C., (2016). A model based on Copula Theory for sustainable and social responsible investments, *Revista de Contabilidad*, 19 (1), January-June, pp. 55-76.
 - * Zourarakis, N. S. (2009); Voluntary disclosure: Evidence from UK. [Online] Available: <http://www.efinancialnews.com/story/2010-12-15/walker-transparency-regulation-buyout>

یادداشت‌ها

1. Clement
2. Clement
3. Jeffers et al.
4. Bremser
5. Kraten
6. Deloitte & Touche LLP
7. Ownership Concentration
8. Shleifer and Vishny
9. Gelb
10. Samaha et al.
11. Zourarakis
12. Cooke
13. Makhija and Patton
14. Barako, Hancock, & Izan
15. Huafang, X., & Jianguo
16. Donnelly and Mulcahy
17. efficient-monitoring hypothesis
18. Marston and Polei
19. Eng and Mak
20. Ghazali & Weetman
21. Juhmani
22. Farneti & Guthrie
23. Lambertton
24. Deloitte Sustainability Reporting Scorecard
25. Deloitte Sustainability Reporting Scorecard
26. efficient-monitoring hypothesis

- * Eng, L. and Mak. Y. (2003). "Corporate governance and voluntary disclosure. *Journal of Accounting and Public Policy*; 22, pp. 325-345
- * Farneti, Federica & Guthrie, James, (2009); Sustainability reporting by Australian public sector organizations: Why they report", *Accounting Forum* 33, pp. 89-98.
- * Ghazali, N. A. M., & Weetman, P. (2006). "Perpetuating traditional influences: voluntary disclosure in Malaysia following the economic crisis". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 15, pp. 226-248.
- * Gelb, D. S. (2000). "Managerial ownership and accounting disclosure: an empirical study". *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 15, pp. 169-185
- * Huafang, X., & Jianguo, Y. (2007). "Ownership structure, board composition and corporate voluntary disclosure: Evidence from listed companies in China". *Managerial Auditing Journal*, 22(6), pp. 604-619.
- * Jeffers, A. E., Beixin, L., Silvia R., and Laurence A. D. (2014). "Is It Time for Companies to Capitalize on Sustainability?". *THE CPA JOURNAL*. 84 (3), pp. 6-17.
- * Juhmani, Omar (2013). "Ownership Structure and Corporate Voluntary Disclosure: Evidence from Bahrain". *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, 3 (2). pp. 133-148.
- * Kraten, M. (2014); "Sustainability The Accounting Perspective". March. *THE CPA JOURNAL*. pp. 11-14.
- * Lambertton, Geoff. (2005). "Sustainability accounting-a brief history and conceptual framework". *Accounting Forum*, 29, pp. 7-26.
- * Makhija, A. K., & Patton, J. M. (2004). "The impact of firm ownership structure on voluntary disclosure: empirical evidence from Czech annual reports". *The Journal of Business*, 77(3), pp. 457-491.
- * Malsch, Bertrand (2013). "Politicizing the expertise of the accounting industry in the realm of corporate social responsibility, *Accounting*", *Organizations and Society*, 38, pp. 149-168.
- * Marston, C. & Polei , A. (2004). "Corporate reporting on the internet by German companies". *International Journal of Accounting Information Systems*, 5, pp. 285-311.
- * Samaha, K., Dahawy, K., Hussainey, K. & Stapleton, P. (2012). "The extent of